

شاهنشاهی ایران نقش سکه ها

چراغعلی اعظمی سنگری

به اورشلیم که در یهود است بنا نمایم . . . رؤسای آباء وقت آمدن ایشان بخانه خداوند که در اورشلیم است برای خانه خدا به ارادت هدیه‌ها را عرضه کردند تا آنکه آنرا در مکانش برپا نمایند . بر طبق قابلیت خودشان بخزانة کار شصت و یک هزار «دریک طلا» و پنج هزار «منا» نقره و یکصد جامه کاهنان رسانیدند . . .

منظور از سال اول سلطنت کوروش اولین سال فتح بابل (۵۳۹ ق م) است و او در همان سال فرمان آزادی یهودیان آسیای صغیر تبوکد نصر پادشاه بابل و بازگشت آنها را به اورشلیم بشرحیکه گذشت صادر و همچنین ظروف طلا و نقره متعلق به معبد اورشلیم را مسترد داشت و باز در همان سال تجدید بنای اورشلیم بدست یهودیان با وجوه و اغانای جمع آوری شده آغاز و در سال ۵۳۶ ق م پایان یافت . چون وفات کوروش در سال ۵۲۹ ق م واقع شده ، دیگر نمیتوان در رواج سکه در زمان کوروش و بنام او که بنیادگرار شاهنشاهی ایران بوده است تردید کرد .

در زمان جانشینان کوروش کبیر نیز سکه‌های طلا و نقره همچنان «داریک» یا سکه شاهنشاهی نامیده میشد .
۲- اشکانیان که در سال ۲۵۰ ق م بیا خاسته یونانیان را از ایران رانده و مرزهای مینن را از وجود بیگانه پیراستند در نقش سکه‌ها خود را «شاه بزرگ آرشاک» مینامیدند و از دوران اشک ششم مهرداد اول (۱۷۱-۱۳۸ ق م) سکه‌ها به خط و زبان کتابت آن زمان دارای عباراتی نظیر «شاهان شاه آرشاک بزرگ» میباشد . بعدها همین عبارت به خط آرامی بر روی سکه‌ها منقوش شده است . مثلاً بعضی از سکه‌های بلاش چهارم (۲۰۱-۱۹۱ میلادی) دارای عبارت «ولگشی ملکین ملکا» یعنی «اشک بلاش شاهان شاه» است و این روش تا پایان این دوره پرشکوه یعنی سال ۲۲۶ میلادی ادامه مییابد .

چون در این سال فرخنده جشن بیست و پنجمین سده بنیانگذاری شاهنشاهی ایران بدست کوروش بزرگ برگزار میگردد ، بیمناسبت نیست بدانیم که شهریاران ایران از شاهنشاهی خویش بر نقش سکه‌ها ، که گویاترین اسناد میباشد ، چگونه یاد میکرده‌اند .

پیش از اسلام

آغاز ضرب سکه در زمان کوروش بزرگ

۱- ضرب سکه بنام شاهنشاهان ایران از زمان کوروش بزرگ (۵۴۶-۵۲۹ ق م) آغاز گردیده و برخلاف آنچه تاکنون تصور کرده‌اند انتساب این امر به داریوش بزرگ (۵۲۱-۴۸۶ ق م) صحیح نیست . در زمان کوروش سکه طلا و نقره بنام شاهنشاه ضرب میشده و بدینجهت «دریک» یا «داریک» نامیده میشده است و داریک یا دریک مقتضی «از» است که بمعنی شاه یا شاهنشاه نیز میباشد و در ادبیات ایران باین معنی بکرات آمده است .

داریک یا سکه شاهنشاهی در دوران پرشکوه کوروش رواج کامل داشته و معتبرترین وسیله برای دادوستد بوده است . تورات که گذشته از جهات مذهبی ، از مآخذ تاریخی ایران در زمان هخامنشیان بشمار میآید این عقیده را تأیید مینماید مثلاً در کتاب عزرا چنین آمده است :

«در سال اول سلطنت کوروش ملک فارس بخصوص تکمیل کلام خداوند از دهان ارمیاء ، خداوند روح کوروش ملک فارس را برانگیزانید تا آنکه در تمامی ممالک خود فرمانی صادر کرده بدین مضمون در کتاب نوشته شود که کوروش ملک فارس چنین میفرماید که خداوند خدای آسمانها تمامی ممالک زمین را بمن داده است و او مرا مأمور ساخته که بجهت او خانقرا

حتی در سکه‌های «آرتاوازد» آخرین شاهزاده اشکانی (۲۲۸-۲۲۷ میلادی) که مدعی تاج و تخت ایران بوده و چندین بار با اردشیر اول شاهنشاه ساسانی جنگیده است، بخط آرامی از او بدینگونه یاد شده است «ارتیز و ملکا»: آرتاوازدشاه.

در اینجا ناگزیر از ذکر این مطلب است که گرچه خط یازبان مخصوص سکه‌ها یونانی و یا آرامی بوده است در موقع خواندن آنرا بفارسی میخواندند مثلاً مینوشتند «متردات ملکان ملکا» ولی میخواندند «مهرداد شاهانشاه». یامینوشتند Bazileoz Bazileon Arzakoy و میخواندند «شاهانشاه اشک».

۳- پادشاهان محلی فارس نیز که از نوادگان هخامنشیان و نگاهبان آتش مقدس آتشکده استخر بودند و بدینجهت آنها را «فراتهدارا» نامیده‌اند در سکه‌ها بخط آرامی خود را «ملکا» یعنی شاه نامیده‌اند مثلاً «داریو ملکا» یا «واتاف رادات ملکا» یا «آرتاچتر ملکا».

۴- در اوایل دوران خجسته ساسانی که از سال ۲۲۶ میلادی آغاز میشود اسم و القاب شاهنشاهان بر روی سکه‌ها با عباراتی همراه است که از مزدایرستی آنان حکایت میکند. مثلاً:

یک- سکه اردشیر اول (۲۲۶-۲۴۱ میلادی) «مزدیسنی یعنی آرتاچتر ملکان ملکا ایران مینوچتری من ایزدان» یعنی: مزدایرست خدایگان اردشیر شاهانشاه ایران مینوچهر از ایزدان.

دو- سکه شاهپور اول (۲۴۱-۲۷۲ میلادی) نیز دارای عبارتی باین مضمون است:

«مزدیسنی یعنی شاهپوری ملکان ملکا ایران و انیران مینوچتری من ایزدان» یعنی: مزدایرست خدایگان شاهپور شاهانشاه ایران و آنسوی ایران مینوچهر از ایزدان - بطوریکه ملاحظه میشود شاهپور به استیلاي خود بر مرزوبوم خارج ایران نیز اشاره کرده است.

سه- سکه هرمز اول (۲۷۲-۲۷۳ میلادی) پسر شاهپور، عبارت سکه پدر را با تغییر نام تکرار میکند و پس از او نقلیه همین عبارت با مختصر دگرگونی در زمان دیگر شهریاران ساسانی تا بهرام پنجم ادامه مییابد.

چهار- از زمان بهرام گور (۴۲۱-۴۳۸ میلادی) که همان بهرام پنجم است گرچه پاره‌ای از القاب حذف میشود اما عبارت شاهانشاه همچنان بر روی سکه‌ها مذکور است. مثلاً باین ترتیب «ورهران ملکان ملکا» یعنی: بهرام شاهانشاه. پنج- با آغاز شهریاری قباد (۴۸۸-۴۹۶ و ۴۹۹-۵۳۱ میلادی) پدر خسرو یکم انوشیروان بر روی سکه‌هایشتر

به ذکر نام شاه اکتفا میکردند گرچه، باز هم برخی از سکه‌های خسرو پرویز (۵۹۰-۶۲۸ میلادی) از او بعنوان «خسرو ملکان ملکا» یعنی: شاهانشاه خسرو یاد میکنند.

شش- پس از وفات یزدگرد سوم (۶۳۲-۶۵۱ میلادی) گروهی از فرمانروایان محلی طبرستان که از فرزندان گیل گاوپاره و شاهزاده ساسانی بودند همچون سپهبد فرخان (۹۳-۱۱۰ هجری) سپهبد دازمهر (۱۱۰-۱۲۳ هجری) و سپهبد خورشید (۱۲۳-۱۴۴ هجری) بدت یکصد و چهار سال باستقلال باقی بودند و بسبب ساسانی سکه زدند اما در سکه‌های آنان که بسیم و نیمدرمی است فقط به ذکر نام و کلمه «افزون» یا «افزون» بخط پهلوی میپرداختند.

پس از اسلام

۱- از تسلط اعراب بر ایران تا مدتی ضرب سکه بانام شاهنشاهان ایران یعنی خسرو پرویز و یزدگرد گاهی با کلمات عربی که دال بر ادعای بریکتائی خداوند بود ادامه یافت و گروهی از حکام عرب بنام خود اما بسبب ساسانی سکه زدند اما از زمان عبدالملک بن مروان، دومین خلیفه اموی از شاخه مروانیان سکه‌ها شکل اسلامی بخود گرفتند و پادشاهان ایران نیز که مسلم بودند در ابتدا بر روش اسلامی سکه زدند.

۲- در زمان سامانیان در روی سکه از شاه بعنوان «ملک» یا القابی چون «مؤید» و غیره یاد میکردند اما دیلمیان علاوه بر ذکر «ملک» القاب و کتیبه خود را نیز اضافه مینمودند مثلاً «الملك عضدالدوله و تاج الملک ابو شجاع» (۳۳۸-۳۷۲ هجری).

دیلمیان اولین شهریارانی بودند که بعد از اسلام «شاهانشاه» را بفارسی بر روی سکه‌ها ضرب کردند مثلاً بهاءالدوله دیلمی (۳۷۹-۴۰۳ هجری) که خود را «ضیاء الملک ابو نصر - شاهانشاه - قوام الدین» مینامد یا ابو کالیجار مرزبان (۴۱۵-۴۴۰ هجری) از خود چنین یاد میکند «شاهانشاه فخر دین اله شرف الملوک . . .» در دوره دیلمیان در یکی دو مورد نیز جنبشی برای احیای روش ساسانی و ضرب سکه باشکل پادشاه پدید آمد که طراح آن با احتمال قوی ابو الفضل الکاتب ابن العمید (اول) وزیر باتدبیر دیلمیان بود.

۳- سلاطین غزنوی نیز بیشتر به ذکر القاب میپرداختند و گاهی فقط در سکه‌ها به کتیبه اکتفا میشد. مثلاً سکه‌های سلطان محمود (۳۸۸-۴۲۱ هجری) که از او بعنوان «الامیر السید - سیف الدوله - یمن الدوله - ناظم الدین - نظام الدین ولی امیر المؤمنین» یاد میکنند. جانشینان او نیز بر روی سکه القاب مختلفی دارند مثلاً از ابراهیم (۴۵۱-۴۹۲ هجری) بعنوان سلطان اعظم - ظهیر الدوله - قاهر الملوک - سید السلاطین یاد شده است.

۴- اغلب پادشاهان سلجوقی کلمه «شاهانشاه» را بفارسی قبل یا بعد از القاب مانند بدرالدین و الدین یا مملک الاسلام و غیره بر سکه‌های خود ضرب میکردند.

مظهر العجائب - تجده عوناً لك في النوائب - كل هم و غم
سینجلی - بولایتک یا علی یا علی یا علی .

شاه اسمعیل دوم (۹۸۴ - ۹۸۵ هجری) بر سکه خود
نوشته است «ز مشرق تا مغرب گر امام است - علی و آل او
ما را تمام است» .

سکه‌های دوران صفوی کلاً بازگوکننده ایمان سرشار
این سلسله به‌خاندان نبوت است که مثالهایی از آنها مذکور افتاد.

۹- اینک با ذکر سکه‌های نادرشاه افشار (۱۱۴۸ -

۱۱۶۰ هجری) باین مقاله پایان میدهد - سکه‌های این شاهنشاه

بزرگ بیشتر حاکی از جهان‌گشائی او میباشد که علاوه بر

شهرهای ایران امروز در ضرابخانه‌های قلمرو آنروز ایران

چون بخارا - کابل - پشاور - قندهار - دهلی - داغستان

و غیره ضرب شده است و اغلب باین عبارت است :

سکه بر زر کرد نام سلطنت را در جهان

نادر ایران زمین و خسرو گیتی‌ستان

یا

هست سلطان بر سلاطین جهان

شاه شاهان نادر صاحبقران

مثلاً «شاهان شاه اجل مفرل» (۴۲۹ - ۴۵۵ هجری) یا

«شاهان شاه آلپ ارسلان» (۴۵۵ - ۴۶۵ هجری) یا «شاهان شاه

ملکشاه» (۴۶۵ - ۴۸۵ هجری) .

۵- خوارزمشاهیان علاوه بر ذکر القاب «خوارزمشاه»

را نیز بر سکه می‌آوردند .

۶- گورکانیان مانند پادشاهان قبل از خود علاوه بر

القابی مانند «غیاث‌الدین» و غیره ، «مالک رقاب‌امم

و خلدناله ملکه» را ذکر میکردند و عبارت «پادشاه روی زمین»

و «خداوند عالم» نیز گاهی بر سکه‌هایشان منقوش است .

۷- سربداریان (۷۳۷ - ۷۸۳ هجری) که از قریه‌باشترین

سبزواری علیه حکام مغول سربشورش برداشته و شهرهایی چون

سمنان - دامغان - اسفراین - جوین - جرجان و سبزواری را

در تصرف داشتند نام ائمه هدی و مهدی منتظر را زینت سکه

میکردند و از بکار بردن نام خود پرهیز داشتند .

۸- نام ائمه اطهار بر سکه‌های صفوی علی‌الخصوص در

روزگار اولین شاهنشاهان این خاندان بسیار دیده میشود ،

بعلاوه از جهت رهبری روحانی از آنها بعنوان «هادی» یاد

شده و بعضی خود را «غلام علی بن ابی طالب» یا «غلام امام

محمد مهدی» نامیده‌اند .

سکه‌هایی از شاه اسمعیل اول (۹۰۷ - ۹۳۰ هجری)

اخلاص او را باستان شاه مردان چنین بازگو میکند «نادر علیاً



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی